

بررسی رابطه بین هوش هیجانی و سلامت روانی معلمان با خلاقیت دانش آموزان مدارس ابتدایی شهرستان بهشهر

علیرضا پیرخانفی¹

هاجر رفیعیان²

تاریخ دریافت: 90/5/18 تاریخ پذیرش: 91/3/24

چکیده

زمینه: خلاقیت مفهومی است که با عوامل متعددی رابطه دارد. از این رو کشف ارتباط خلاقیت با عوامل مرتبط با تحصیل، به ویژه در دوران ابتدایی از اهمیت زیادی برخوردار است.

هدف: پژوهش با هدف بررسی رابطه هوش هیجانی و سلامت روان معلمان با خلاقیت دانش آموزان شهرستان بهشهر انجام شد.

روش: جامعه آماری شامل کلیه معلمان و دانش آموزان مدارس ابتدایی شهرستان بهشهر بود که 220 نفر از معلمان و 370 نفر از دانش آموزان با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسشنامه هوش هیجانی بارآن³، سلامت روان گلدبرگ و هیلر⁴ و آزمون تفکر خلاق تورنس فرم B تصویری جمع آوری شد. شاخص‌های روان‌سنجی پرسشنامه‌ها با استفاده ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و قابل قبول بود.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و سلامت روان معلمان ابتدایی با خلاقیت دانش آموزان شهرستان بهشهر رابطه معناداری وجود دارد. تحلیل‌های رگرسیون نشان داد متغیر سلامت

1. استادیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار. (نویسنده مسئول) alireza_pirkhaefi@yahoo.com

2. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، آموزش و پرورش شهرستان بهشهر

3. Bar On

4. Goldberg and Hiler

روان در مؤلفه کارکرد اجتماعی و هوش هیجانی در مؤلفه خود مدیریتی و خود انگیزختگی قادر به تبیین تغییرات خلاقیت هستند.

نتیجه گیری: نتایج این پژوهش تأکید دارد معلمانی که هوش هیجانی و سلامت روانی بیشتری دارند، دانش آموزان خلاق تری را خواهند داشت.

کلید واژه: هوش هیجانی، سلامت روان، خلاقیت دانش آموزان.

مقدمه

خلاقیت که امروزه از آن به عنوان عاملی مهم و تعیین کننده در جهت رشد، ترقی و پیشرفت کشورها نام می‌برند موضوعی است که از دیر باز مورد توجه اندیشمندان و صاحب نظران در عرصه تعلیم و تربیت بوده است. تورنس¹ (1961) از پیشگامان و محققان برجسته در زمینه خلاقیت معتقد است، خلاقیت فرایندی است که نسبت به مسایل، کمبودها و بن بست‌ها حساسیت دارد. تفکر خلاق در پی تشخیص مشکل، راه حل‌ها و سپس آزمایش فرضیه‌ها و راه حل‌ها است. تورنس خلاقیت را مرکب از 4 عامل سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و بسط می‌داند و تحول خلاقیت را به عنوان یک کنش از کودکی تا نوجوانی مورد تأکید قرار می‌دهد. به اعتقاد نوربرت الیاس² نیز خلاقیت موهبتی نیست که فقط به تعدادی از افراد اعطا شده باشد، بلکه کیفیتی است که به طور عمیق به ساختار مؤسسات اجتماعی (یعنی جایی که افراد در آن زندگی و کار می‌کنند) وابسته است. به همین دلیل او معتقد است که فقدان خلاقیت در بین افراد را بایست در درون ساختارهای سازمانی جستجو کرد. با عنایت به این موضوع امروزه توجه به آموزش، رشد و پرورش خلاقیت کودکان بیش از هر زمان دیگری مورد تأکید قرار گرفته و به عنوان مهم‌ترین هدف آموزش و پرورش برشمرده شده است. کودکان بیشترین ساعات عمر خود را در مدرسه و در کنار معلمان خود می‌گذرانند در نتیجه بیشترین تأثیر را از

1. Torrance

2. Norbert Ely as

لحاظ شکل گیری شخصیت و تفکر از آنها می‌پذیرند. آمابیلی¹ (1989) در این زمینه معتقد است معلمان با بیان آزاد احساس عشق، شادی و کنجکاوی، الگوی مناسبی برای کودکان می‌باشند. معلمان خلاق و نواندیش به صورت خود جوش دانش‌آموزان را خلاق و نواندیش می‌کنند؛ در واقع آنان روحیه، احساس، عاطفه و انگیزه خلاق را به دانش‌آموزان انتقال می‌دهند (آمابیلی، 1989).

تورنس در پژوهشی که به بررسی تأثیر نوع رابطه معلمان و دانش‌آموزان در بروز خلاقیت انجام داد، نتیجه گرفت که نگرش معلمان نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقاء خلاقیت شاگردان دارد. در حقیقت پژوهش تورنس نشان داد که معلمان خلاق نه فقط شاگردان خلاق‌تری را پرورش می‌دهند، بلکه به دلیل شخصیت گرم، صمیمی و پذیرنده خود ظرفیت خلاقیت را در دانش‌آموزان می‌افزایند. در این راستا، گزارش‌های افراد سرآمد و خلاق نیز مؤید این نکته است که تلاش‌های والدین و معلمان عاملی مهم در پرورش استعداد های خلاق آنان بوده است (قاسمی و اقلیدس، 1384). یافته‌های دیگر تورنس و همکاران در پژوهشی تحت عنوان سلامت روان‌شناختی و شوخ طبعی نشان می‌دهد افرادی که در پرسشنامه شوخ طبعی نمرات بالاتری آورده بودند، در فاکتورهای سلامت روان‌شناختی مانند خوش‌بینی و عزت نفس نمرات بالاتر و در فاکتورهای مربوط به بیماری‌های روان‌شناختی مانند افسردگی نمرات کمتری داشتند (تورنس، ترجمه قاسم زاده 1372). این یافته نشان می‌دهد شوخ طبعی (که از انواع خلاقیت کلامی به شمار می‌آید) با کیفیت زندگی افراد مرتبط است. سوزا² و همکاران (2002) نیز طی پژوهشی تأثیر برنامه آموزش خلاقیت را روی توانایی تفکر خلاق و خود پنداری دانش‌آموزان مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های آنان بیانگر آن بود که برنامه آموزش خلاقیت به روشنی روی تفکر دانش‌آموزان تأثیر مثبتی داشته است. پژوهش عسگری (1386) درباره تأثیر روش‌های آموزش خلاقیت بر میزان خلاقیت دانش‌آموزان دختر پایه

1. Amabile

2. Suza

Archive of SID

چهارم ابتدایی نیز نشان داد که آشنا کردن معلمان با خلاقیت و استفاده از برنامه‌های آموزشی انعطاف پذیر در کلاس بر خلاقیت دانش آموزان دختر تأثیر مثبتی بر جای گذاشت. میرکمالی و خورشیدی (1388) نیز در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت دانش آموزان دوره ابتدایی استان گیلان از دیدگاه معلمان، مدیران دوره ابتدایی و متخصصان تعلیم و تربیت پرداختند. یافته‌های آنان نشان داد که معلم، محیط آموزشی، حاکمیت روابط انسانی و روش‌های تدریس از جمله روش‌های مؤثر در پرورش خلاقیت به شمار می‌آیند.

«علاوه بر آنچه اظهار گردید بایست اذعان داشت که عوامل متعدد دیگری نیز در بروز خلاقیت دانش آموزان دخالت دارد. از جمله این عوامل می‌توان به هوش هیجانی معلمان اشاره کرد. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که برخورداری از هوش هیجانی یکی از عوامل موفقیت یا شکست افراد در زندگی کاری و خانوادگی است. گلמן¹، ضمن مهم شمردن هوش شناختی معتقد است که هوش شناختی در بهترین حالت خود تنها 20 درصد از موفقیت‌های زندگی را تبیین می‌کند در حالی که 80 درصد موفقیت‌ها به عوامل دیگری که هوش هیجانی تعریف می‌شود، وابسته است. از نظر گلמן، هوش هیجانی ترکیبی از مهارت‌هاست که به توانایی فرد در اداره و نظارت بر احساسات خود و همچنین حالت‌های احساسی دیگران مربوط است» (هادی زاده مقدم و همکاران، 1387). از نظر بارآن² (1997) نیز هوش هیجانی تنظیم قابلیت‌ها، صلاحیت‌ها و مهارت‌های افراد برای موفقیت در مقابله با فشارها و تقاضاهای محیطی است. مدل هوش هیجانی بارآن، مشتمل بر پنج بُعد هوش هیجانی درون فردی، هوش هیجانی میان فردی، سازگاری، مدیریت استرس و خلق و خوی عمومی یا خوش بینی است. «پژوهش‌های انجام شده در این راستا نشان داده افرادی که از هوش هیجانی بالایی برخوردارند، از قدرت بیشتری برای سازگاری با مسائل جدید و روزمره برخوردار بوده‌اند» (شفیعی رودپشتی و میر غفوری، 1387). «از سر زندگی و استقلال بیشتری در کار برخوردار بوده، عملکرد بهتری

1. Goldman

2. Bar On

داشته، نسبت به زندگی خوش بین تر، در برابر استرس مقاوم تر و از پیشرفت و موفقیت بیشتری در زندگی برخوردارند» (سارنی¹، 1998). بررسی کوکارو² و همکاران (2009) درباره رابطه هوش هیجانی و سلامت نشان داده که هوش هیجانی بالاتر با سلامت روان شناختی بیشتر مرتبط است و در این میان معلمانی که دارای هوش هیجانی بالایی بودند از دانش آموزان خلاق تری برخوردار هستند. نتایج پژوهش پورفرج عمران (1387) نیز بیانگر وجود رابطه بین مؤلفه‌های هوش هیجانی (خودآگاهی، خودکنترلی و خودانگیزشی) با خلاقیت در معلمان است. یار محمدیان و کمالی (1386) نیز در پژوهشی رابطه هوش هیجانی معلمان با خود شکوفایی دانش آموزان پایه اول دبیرستان را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که متغیر هوش هیجانی در پیش بینی خود شکوفایی دانش آموزان نقش دارد.

«متغیر مهم دیگری که در بروز خلاقیت دانش آموزان حائز اهمیت است سلامت روان معلمان است. صاحب نظران، سلامت روان را لازمه حفظ و دوام عملکردهای فردی، اجتماعی، شغلی، تحصیلی و موفقیت‌های اجتماعی می‌دانند. در حقیقت هدف اصلی تمامی برنامه‌های ارتقاء سلامت روان، کمک به افراد در رسیدن به زندگی کامل تر، شادتر، هماهنگ تر و پیشگیری از بروز اختلالات خلقی، عاطفی و رفتاری در آنان است» (میلانی فر، 1378). بنابراین، با توجه به اهمیت و ضرورت رشد و پرورش خلاقیت در کودکان به ویژه کودکان مقطع ابتدایی این سؤال مطرح است که معلمین مقطع ابتدایی که بی شک مهم ترین نقش را در کنترل و هدایت تخیل و ظهور خلاقیت‌ها در کودکان دارند آیا از هوش هیجانی و سلامت روان به عنوان دو متغیر اساسی و مهم در موفقیت شغلی و زندگی برخوردار هستند؟ و آیا رابطه‌ای بین هوش هیجانی و سلامت روان معلمان ابتدایی با خلاقیت دانش آموزان وجود دارد؟

1. Saarni
2. cocaro

روش پژوهش

این پژوهش در قالب یک مطالعه همبستگی انجام گردید.

جامعه و نمونه

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه معلمان و دانش آموزان مدارس ابتدایی دخترانه، پسرانه و مختلط شهرستان بهشهر در نیمسال اول تحصیلی 89-1388 بود که تعداد معلمان بر اساس آمار منتشر شده از سوی آموزش و پرورش استان، 522 نفر و تعداد دانش آموزان 10820 نفر بود. با توجه به گستردگی جامعه آماری و میسر نبودن امکان اجرای تحقیق بر روی کل جامعه از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد. ابتدا مدارس ابتدایی شهرستان بهشهر، به سه دسته دخترانه، پسرانه و مختلط تقسیم شدند. سپس آمار تعداد معلمان شاغل در نیمسال اول تحصیلی 89-88 از طریق مراجعه به سازمان آموزش و پرورش استان استخراج گردید که با استناد به جدول مورگان تعداد 220 نفر برای جامعه معلمان و تعداد 370 نفر برای جامعه دانش آموزان انتخاب گردید.

ابزار پژوهش

پرسشنامه هوش هیجانی بارآن: این پرسشنامه در سال 1997 م. توسط بارآن برای سنجش هوش هیجانی ارائه شده است. آزمون دارای 117 سؤال و 15 خرده مقیاس می‌باشد. بررسی‌های روان‌سنجی، ضریب آلفای کرونباخ 0/91 را برای این پرسشنامه نشان داد. پرسشنامه سلامت عمومی (فرم 28 سؤالی): این پرسشنامه در سال 1978 م. توسط گلدبرگ و هیلر برای سنجش سلامت عمومی ارائه شده است. پرسشنامه تاکنون به 30 زبان زنده دنیا ترجمه شده، در 70 کشور مورد استفاده قرار گرفته است. مرور بررسی‌های انجام شده در ایران نشان می‌دهد که میزان اعتبار و پایایی این آزمون با نمره برش 6 بین 0/84 تا 0/93 و با نمره برش 23 بین 0/68 تا 0/94 متغیر است. بررسی محققین با نمونه پژوهش ضریب آلفای

کرونباخ 0/80 را برای این پرسشنامه نشان داد. در این پرسشنامه هرچه آزمودنی نمره پایینی را کسب کند از سلامت روانی بالاتری برخوردار است و برعکس. بخش‌های این پرسشنامه شامل سلامت جسمانی، کارکرد اجتماعی، علایم اضطرابی و علایم افسردگی است.

پرسشنامه آزمون تفکر خلاق تورنس (فرم ب تصویری): این پرسشنامه توسط تورنس (1974) برای سنجش خلاقیت تهیه شده است. اشکال تصویری این آزمون، مستلزم پاسخ‌هایی است که به طور عمد، ماهیت ترسیمی یا تجسمی دارد. استفاده از این مجموعه آزمون از سطح کودکان تا سطوح پس از دبیرستان توصیه گردیده است. این آزمون مشتمل بر 4 فعالیت سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و بسط می‌باشد. بررسی‌های روان‌سنجی ضریب آلفای کرونباخ 0/71 را برای این پرسشنامه نشان داد.

یافته‌های پژوهش:

جدول شماره 1. آزمون t تک نمونه‌ای برای مقایسه تفاوت میانگین نمونه معلمان در متغیر هوش هیجانی (تعداد = 220 نفر)

مؤلفه‌های هوش هیجانی	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری (دو دامنه)	تفاوت میانگین	ضریب اطمینان 95% برای تفاوت‌ها	حد بالا	حد پایین
خود آگاهی	0/66011	0/04450	15/388	219	0/000	0/68485	0/5971	0/7726	0/7726
خود مدیریت	0/73236	0/04938	4/120	219	0/000	0/20341	0/1061	0/3007	0/3007
خود انگیزندگی	0/70775	0/04772	19/028	219	0/000	0/90795	0/8139	1/0020	1/0020
همدلی	0/79384	0/05352	4/501	219	0/000	0/24091	0/1354	0/3464	0/3464
روابط	0/64404	0/04342	20/664	219	0/000	0/89727	0/8117	0/9828	0/9828

اجتماعی									
شاخص									
0/6666	0/5071	0/58688	0/000	219	14/503	0/04047	0/60022	3/5869	کلی هوش هیجانی

جدول شماره 1 نشان می‌دهد که تی‌های محاسبه شده با درجه آزادی 219 در سطح اطمینان 0/01 بزرگ‌تر از مقدار بحرانی تی (1/96) است، بنابراین، فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت بین میانگین نمونه معلمان رد و نتیجه گرفته می‌شود که سطح هوش هیجانی معلمان بالاتر از متوسط است و آنان از وضعیت مناسبی در هوش هیجانی برخوردارند.

جدول شماره 2. آزمون t تک نمونه‌ای برای مقایسه تفاوت میانگین نمونه معلمان در متغیر سلامت روان (تعداد = 220 نفر)

مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری (دو دامنه)		ضریب اطمینان 95% برای تفاوت‌ها	
						تفاوت میانگین	حد پایین	حد بالا	
سلامت جسمانی	1/8676	0/50537	0/03407	10/790	219	0/000	0/36764	0/3005	0/4348
کارکرد اجتماعی	1/8764	0/51190	0/03451	10/905	219	0/000	0/37636	0/3083	0/4444
علائم اضطراب	1/9300	0/52068	0/03510	12/249	219	0/000	0/43000	0/3608	0/7992
علائم افسردگی	1/8991	0/51376	0/03464	11/522	219	0/000	0/39909	0/3308	0/4674
شاخص کلی سلامت روان	1/933	0/36524	0/02462	15/971	219	0/000	0/39327	0/3447	0/4418



جدول شماره 2 نشان می‌دهد که تی‌های محاسبه شده با درجه آزادی 219 در سطح اطمینان 0/01 بزرگ‌تر از مقدار بحرانی تی (1/96) است. بنابراین، فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت بین میانگین نمونه معلمان رد است و نتیجه گرفته می‌شود که نمره سلامت روان معلمان پائین‌تر از متوسط است و آنان از سلامت روانی بیشتری برخوردارند.

جدول شماره 3. آزمون t تک نمونه‌ای برای مقایسه تفاوت میانگین نمونه دانش‌آموزان در متغیر خلاقیت (تعداد - 370 نفر)

مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری (دو دامنه)		ضریب اطمینان 95%	
						تفاوت	تفاوت میانگین	برای تفاوت‌ها	حد بالا / حد پایین
سیالی	6/0350	1/46518	0/07617	13/588	369	0/000	1/03503	0/8852	1/1848
انعطاف پذیری	33/1926	8/05849	0/41894	-1/927	369	0/055	-0/80735	1/6312	0/0165
ابتکار	1/9030	0/52568	0/02733	14/747	369	0/000	0/40303	0/3493	0/4568
بسط	1/9260	0/51369	0/02671	21/495	369	0/000	-0/57403	-0/6265	-0/5215

جدول شماره 3 نشان می‌دهد که تی‌های محاسبه شده به غیر از مؤلفه انعطاف پذیری با درجه آزادی 369 در سطح اطمینان 0/05 بزرگ‌تر از مقدار بحرانی تی (1/96) است بنابراین، فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت بین میانگین نمونه دانش‌آموزان رد و نتیجه گرفته می‌شود که وضعیت مؤلفه‌های خلاقیت دانش‌آموزان بالاتر از متوسط است و آنان از خلاقیت بیشتری برخوردارند.

جدول شماره 4. نتایج رگرسیون چند متغیره بین متغیرهای هوش هیجانی و خلاقیت

سطح معناداری	t	ضریب استاندارد نشده		مدل
		ضریب استاندارد شده	خطای استاندارد	
		بتا	بتا	
0/000	5/574		3/452	(ثابت)
0/785	0/273	0/031	1/455	خود آگاهی
0/002	3/132	0/331	1/215	خود مدیریتی
0/024	2/266	0/203	1/064	خود انگیزندگی
0/858	-0/179	-0/016	0/920	همدلی
0/336	-0/965	-0/096	1/295	روابط اجتماعی

a متغیر وابسته: خلاقیت

جدول شماره 4 نشان می‌دهد که از بین مؤلفه‌های هوش هیجانی با توجه به ضریب بتای استاندارد شده دو مؤلفه خود مدیریتی و خود انگیزندگی معلمان به ترتیب با ضرایب 0/331 و 0/203 رابطه معنا داری با خلاقیت دانش آموزان دارد و تبیین کننده است و سایر مؤلفه‌های هوش هیجانی دارای روابط اندک، معکوس و غیر معنا دار با خلاقیت هستند.

جدول شماره 5. نتایج رگرسیون چند متغیره بین متغیرهای سلامت روان و خلاقیت

سطح معناداری	t	ضریب استاندارد نشده		مدل
		ضریب استاندارد شده	خطای استاندارد	
		بتا	بتا	
0/000	6/904		2/708	(ثابت)
0/006	2/755	0/187	1/129	سلامت جسمانی
0/000	4/135	0/284	1/29	کارکرد اجتماعی
0/044	2/028	0/145	1/156	علائم اضطراب
0/701	-0/385	-0/028	1/199	علائم افسردگی

a متغیر وابسته: خلاقیت



جدول شماره 5 نشان می‌دهد که از بین مؤلفه‌های سلامت روان با توجه به ضریب بتای استاندارد شده سه مؤلفه کارکرد اجتماعی، سلامت جسمانی و اضطراب معلمان به ترتیب با ضریب 0/284، 0/187 و 0/145 رابطه معنا داری با خلاقیت دانش‌آموزان دارد و تبیین‌کننده است ولی مؤلفه افسردگی رابطه‌ای معکوس و غیر معنا دار با خلاقیت دانش‌آموزان داشت.

جدول شماره 1-6. خلاصه مدل رگرسیون بین مؤلفه‌های سلامت روان با خلاقیت

مدل	ضریب تعیین	مجذور ضریب تعیین	ضریب اصلاح شده	خطای برآورد
1	(a)0/451	0/203	0/188	7/57709

a پیش‌بینی‌کننده‌ها: سلامت جسمانی، کارکرد اجتماعی، علائم اضطراب و علائم افسردگی.

جدول شماره 2-6. خلاصه مدل رگرسیون بین مؤلفه‌های هوش هیجانی با خلاقیت

مدل	ضریب تعیین	مجذور ضریب تعیین	ضریب اصلاح شده	خطای برآورد
1	(a)0/429	0/184	0/165	7/68494

a پیش‌بینی‌کننده‌ها: خودآگاهی، خودانگیزختگی، خودمدیریتی، همدلی و روابط اجتماعی.

جدول شماره 3-6. خلاصه مدل رگرسیون بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و سلامت روان معلمان با خلاقیت دانش‌آموزان

مدل	ضریب تعیین	مجذور ضریب تعیین	ضریب اصلاح شده	خطای برآورد
1	(a)0/470	0/221	0/214	7/45651

a پیش‌بینی‌کننده‌ها: خودآگاهی، خودانگیزختگی، خودمدیریتی، همدلی، روابط اجتماعی، سلامت جسمانی، کارکرد اجتماعی، علائم اضطراب و علائم افسردگی.

جدول شماره 1-6 نشان می‌دهد که 18/8 درصد از تغییرات خلاقیت توسط مؤلفه‌های سلامت روان شامل (متغیر سلامت جسمانی، کارکرد اجتماعی، اضطراب و افسردگی) قابل تبیین است. جدول شماره 2-6 نشان می‌دهد که 16/5 درصد از تغییرات خلاقیت توسط مؤلفه‌های هوش هیجانی شامل (مهارت خودآگاهی، خود انگیختگی، خود مدیریتی، همدلی و روابط اجتماعی) قابل تبیین است و در نهایت جدول شماره 3-6 نشان می‌دهد که 21/4 درصد از تغییرات خلاقیت توسط هر دو مؤلفه هوش هیجانی و سلامت روان قابل تبیین است.

بحث و نتیجه گیری

نتایج مربوط به وضعیت هوش هیجانی معلمان نشان داد که هوش هیجانی آنان بالاتر از متوسط است. این نتیجه با تحقیق انجام شده توسط سارنی (1998) که نشان داد افراد دارای هوش هیجانی بالا از شادابی و نشاط، سرزندگی و استقلال بیشتری در کار برخوردار بوده، عملکرد بهتری دارند، به زندگی خوش بین تر هستند و در برابر استرس مقاومت بیشتری از خود نشان می‌دهند، هماهنگ است. نتایج مربوط به وضعیت مؤلفه سلامت روان نیز در معلمان بالاتر از متوسط بود. نتایج حاصل از این یافته با تحقیقات هادی و ملک ملکان (1385) که نشان دادند وضعیت سلامت روانی تعادل بین اعضا و محیط در رسیدن به خود شکوفایی دانسته شده است و در واقع نوعی بلوغ روان شناختی است. در این وضعیت معمولاً بیشترین اثربخشی و رضایت فردی و اجتماعی که شامل احساسات و بازخوردهای مثبت نسبت به خود و دیگران است، نشان داده می‌شود. از نظر چاوگان (1991)، کاپلان و سادوک فردی که از سلامت روان برخوردار است دارای حسی از مسئولیت پذیری، اعتماد به خود، هدف مداری، ارزش‌های شخصی، فردیت و یگانگی است.

نتایج مربوط به وضعیت خلاقیت در دانش آموزان نیز بالاتر از متوسط بود. بر اساس نظریه مایهالی¹ (1996) رشد و توسعه خلاقیت در مدارس مستلزم وجود عوامل مناسب فرهنگی، محیطی و معلمان سالم دارای مهارت و با ویژگی‌های شخصیتی، ارتقاء دهنده است. بر این اساس معلمانی که از سلامت روان و مهارت‌های فنی و اجتماعی برخوردارند می‌توانند دانش آموزانی خلاق و متفکر تربیت نمایند. در هر حال نتایج حاصل از این یافته با نتایج تحقیقات انجام شده توسط میرکمالی و خورشیدی (1388) که نشان دادند خلاقیت با محیط آموزشی، ویژگی‌ها، رفتار معلمان، روابط انسانی و روش‌های تدریس رابطه دارد، و با عسگری (1386) که نشان داد پرورش خلاقیت مستلزم آشنا سازی معلمان با خلاقیت و استفاده از برنامه‌های آموزشی انعطاف پذیر در کلاس است و سوزا و همکاران (2002) که نشان دادند برنامه آموزش خلاقیت به روشنی بر روی تفکر دانش آموزان تأثیر می‌گذارد، هماهنگ است.

نتایج مربوط به رابطه بین هوش هیجانی معلمان با مؤلفه‌های خلاقیت نیز نشان داد که رابطه معنا داری بین مؤلفه خود مدیریتی و خود انگیزختگی با خلاقیت وجود دارد. این موضوع نشان می‌دهد که هر چه میزان خود مدیریتی و خود انگیزختگی معلمان بالاتر باشد خلاقیت دانش آموزان نیز بیشتر خواهد بود. نتایج حاصل از این یافته با نتایج تحقیقات انجام شده توسط یار محمدیان و کمالی (1386) که در پژوهش خود نشان دادند که بین هوش هیجانی معلمان و خود شکوفایی دانش آموزان همبستگی مثبت و معنا دار وجود دارد، علی بیگی (1388) که نشان داد بین مؤلفه خود انگیزختگی با خود کارآمدی مدیران رابطه معنا داری وجود دارد و زینی وند (1387) که نشان داد بین مؤلفه خود انگیزختگی و عملکرد دبیران رابطه معنا دار وجود دارد، هماهنگ است.

نتایج مربوط به سلامت روان معلمان با مؤلفه‌های خلاقیت دانش آموزان رابطه معنا داری را بین سلامت جسمانی، کارکرد اجتماعی و اضطراب معلمان با مؤلفه‌های خلاقیت دانش آموزان نشان داد. نتایج حاصل از این یافته با مبانی نظری و پژوهشی موجود هماهنگ است.

1. Mihaly

این راستا اسکینر¹ سلامت روان را معادل با انطباقی اجتماعی می‌داند و معتقد است انسان سالم کسی است که تأیید اجتماعی بیشتری به خاطر رفتارهای مناسب از محیط و اطرافیانش دریافت کند. بررسی‌های احمدی و همکاران (1386) نیز نشان می‌دهد افرادی که دارای علائمی چون افسردگی، اضطراب و سایر اختلالات روانی هستند عملکرد بسیار ضعیفی در حوزه‌های شناختی و اجتماعی دارند.

در بررسی‌های روابط خطی هوش هیجانی و سلامت روان با خلاقیت، نتایج ضرایب تفکیکی نشان داد که در صورت اعمال مؤلفه‌های هوش هیجانی تنها 16/5 درصد از تغییرات خلاقیت قابل تبیین خواهد بود. در حالی که مؤلفه‌های سلامت روان حدود 18/8 درصد از تغییرات خلاقیت را تبیین کردند. بررسی‌های ترکیبی (هوش هیجانی و سلامت روان) نیز نشان داد که در هر صورت اعمال هر دو متغیر حدود 21/4 درصد از تغییرات خلاقیت قابل تبیین است که با پژوهش‌های انجام شده در این ارتباط هماهنگ است.

بر اساس آنچه توصیف شد می‌توان نتیجه گرفت که در نظام آموزش و پرورش، احساس، عواطف و رفتار معلمان از اهمیت زیادی برخوردار است. معلمان از آنجا که رسالتی تربیتی دارند باید واجد ویژگی‌های رشد دهنده در دانش آموزان باشند. در این خصوص بررسی دو ویژگی سلامت روان و هوش هیجانی در آنان نشان داد که رابطه‌ای مثبت و معناداری بین این ویژگی‌ها با خلاقیت دانش آموزان وجود دارد. اگر تفکر خلاق و نوآوری دانش آموزان به عنوان یکی از غایت‌های نظام تعلیم و تربیت دانسته شود دست‌یابی به آن تا حدودی به معلمان و رفتارهایی که در کلاس و محیط آموزشی دارند، وابسته است. این موضوع بیانگر آن است که معلمان پذیرنده، مهربان و دارای مهارت‌های سازنده احساسی، عاطفی و انسانی می‌توانند دانش آموزانی با انگیزه، توانمند و خلاق را به وجود آورند. رخداد این اتفاق نه فقط برای نظام تعلیم و تربیت یک غنیمت است که حتی برای نظام اجتماعی و حکومتی نوعی بهره‌وری و سرمایه‌گذاری به شمار می‌آید.

1. Skinner

منابع فارسی

احمدی، زهرا؛ صحبایی، فائزه؛ محمدزاده، شهلا؛ محمودی، محمود. (1386). بررسی سلامت روان دانشجویان پرستاری و غیر پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود و مقایسه آنها با یکدیگر. فصلنامه علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی. تابستان 86، دوره 17، شماره 2، صص 107-111.

پیرخائفی، علیرضا. (1382). خلاقیت و هوش (مبانی نظری و پژوهشی). تهران: انتشارات مهر برنا. صص 29-31.

پور فرج عمران، مجید. (1387). بررسی رابطه بین خلاقیت، هوش هیجانی و خودکارآمدی. در مقالات اولین کنفرانس ملی خلاقیت شناسی، TRIZ و مهندسی و مدیریت نوآوری ایران. تهران، مرکز همایش های بین المللی هتل المپیک.

تورنس، ای پال. (1979). استعدادها و مهارت های خلاقیت و راه های آموزش و پرورش آنها. ترجمه حسن قاسم زاده. تهران: نشر دنیای نو.

تورنس، ای پال. (1974). آزمون تفکر خلاق تورنس فرم ب تصویری. ترجمه علیرضا پیرخائفی. تهران: مؤسسه تحقیقات علوم رفتاری، شناختی سینا.

زینی وند، اکرم. (1387). رابطه هوش هیجانی و عملکرد دبیران متوسطه شهرستان جویبار. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.

شفیعی رودپشتی، میثم؛ میر غفوری، سید حبیب الله. (1387). سنجش درجه هوش هیجانی کتابداران و رتبه بندی مؤلفه های آن. فصلنامه کتابداری و اطلاع رسانی. شماره 3، جلد 11، پیاپی 43، پاییز 1387.

علی بیگی، فرزانه. (1388). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و خود کارآمدی مدیران دانشگاه های آزاد اسلامی منطقه ده. پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده. دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.

کاپلان، هارولد؛ سادوک، بنیامین. (1373). خلاصه روان پزشکی، علوم رفتاری و روان پزشکی بالینی ترجمه نصرت الله پور افکاری. تهران: انتشارات آزاده.

- فلاح تفتی، سعیده. (1387). مشکلات مدارس در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان. چاپ شده در روزنامه همشهری. 28 دی ماه 1387.
- قاسمی، فرشید؛ اقلیدس، طاهره. (1384). بررسی تأثیر آموزش درس پرورش خلاقیت در کودکان بر افزایش خلاقیت دانش‌آموزان دختر سال سوم کودکیاری هنرستان‌های شیراز. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. شماره 13، پاییز 1384، صص 84-58.
- مشبکی، اصغر؛ وفایی، فرهاد. (1382). عوامل بازدارنده شکوفایی و خلاقیت در سازمان. فصلنامه فرآیند مدیریت و توسعه. شماره 60 و 61.
- میرکمالی، سید محمد؛ خورشیدی، عباس. (1388). عوامل موثر در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان دوره ابتدایی استان گیلان. فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی. دوره 2، شماره 39، تابستان 1388، صص 75-51.
- عسگری، محمد. (1386). تأثیر روش‌های آموزش خلاقیت بر میزان خلاقیت دانش‌آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی. فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناختی. دوره 10، شماره 3-4 زمستان 1386.
- هادی زاده مقدم، اکرم؛ رامین مهر، حمید؛ احمدی، ایمان. (1387). بررسی رابطه بین هوش عاطفی و سبک‌های رهبری در بین مدیران سازمان‌های وابسته به شرکت نفت. مجله علمی-ترویجی دانشکده علوم انسانی ویژه مدیریت (دانشگاه سمنان). سال 7، شماره 24، پاییز 1387.
- هادی، نگین؛ ملک مکان، لیلا. (1385). بررسی سطح سلامت و کیفیت زندگی آموزگاران مدارس ابتدایی شیراز. مجله پزشکی هرمزگان. زمستان 1385، دوره 4، شماره 10، صص 392-387.
- یار محمدیان، احمد؛ کمالی، فاطمه. (1386). بررسی رابطه هوش هیجانی با خود شکوفایی دانش‌آموزان پایه اول دبیرستان. فصلنامه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز (ویژه نامه علوم تربیتی). سال 3، شماره 26، پیاپی 52، پاییز 1386، صص: 226-211.

منابع لاتین

- Bar-on, R. (1997). The Emotional Quotient Inventory (EQ-I): A Measure of Emotional Intelligence. Toronto, Canada: Multi – Health System
- Chaugan, S. S. (۱۹۹۱). Mental Hygiene, New Delhi .Ailed Publishers. P.۲
- Cocaro, E, Noblett, K .McCloskey, Michael.(2009). Attributional and emotional responses to socially ambiguous cues: Validation of a new assessment of social

/emotional information processing in healthy adults and impulsive patients.
[/http://www.sciencedirect.com](http://www.sciencedirect.com)

Saarni, C. (1998). Issue of Cultural Meaningfulness in Emotional Development. *Developmental Psychology Journal*. Vol 34, PP: 647-652.

Souza, Fleith; Renzuli, Denise; & Westberg, Joseph. (2002). Effects of a Creativity Training Program on Divergent Thinking Abilities and Self-Concept in Monolingual and Bilingual Classrooms. *Creativity Research Journal*. Vol 14, No 394, P. 373-386

Sternberg, R & Lubart, T. (1999). The Concept of Creativity: Prospects and Paradigms. In R. Sternberg (ED), *Handbook of Creativity*. Cambridge University Press.

